

**یکشنبه ۱۴ فروردین ۱۴۰۱** • ۱ رمضان ۱۴۴۳ • ۳ آوریل ۲۰۲۲ • **سال نوزدهم** • شماره ۴۲۴۷ • ۱۲ صفحه اذان ظهر **تهران ۱۲:۰۸** • اذان **مغرب** ۱۹:۴۶ • اذان **صبح** فردا ۵:۲۱ • طلوع **آفتاب** ۶:۴۷

www.sharghdaily.ir

# روزنامه شتر

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • شماره: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: مصمیم • تلفن: ۴۴۵۳۲۳۷۲۵

### یادداشت

## ۱۲ فروردین ومخالفانش



• **علی ربیعی**

۱۲ فروردین ۵۸ تنها یک روز نیست؛ بلکه یک سنت، قاعده و یک نهاد است که ارزش‌های آن نباید فراموش شود. ۱۲ فروردین، نماد یک نظام «صندوق‌بنیاد» است. به رغم اینکه این روز، تاریخی‌ترین لحظه حیات سیاسی ایرانیان در چند سده اخیر است که در سرنوشت نسل‌های متعدد تأثیرگذار بوده و خواهد بود، اما متأسفانه آن چنان که شایسته و بایسته است، پیرامون فلسفه و محتوای آن، گفت‌وگو و درخوری صورت نمی‌گیرد و رسانه‌های رسمی نیز آن را در حد یک روز مناسکی، تقلیل داده‌اند. به نظر من یکی از مباحث جهان‌دار و مهم، کالبدشکافی ۱۲ فروردین، فرصت‌های درون آن، نارسایی‌های تفسیری و نگاه تقلیل‌گرایانه و محدودساز به آن است. در این روز، نیروی تأسیس‌گری ملت ایران در جریان یک همه‌پرسی بی‌نظیر به منصف ظهور رسید و جمهوری در زهدان پاک، مشروع و منزه یک رفاندوم در پای صندوق‌های رأی متولد شد و یک قرارداد اجتماعی عظیم شکل گرفت. ۱۲ فروردین، همچنین نماد تأسیس و انعقاد یک قرارداد اجتماعی عظیم میان شعاع یک دولت، یک ملت آن هم به رأی ملت در مقابل نظام پادشاهی بی‌اعتنا به صندوق است. ۱۲ فروردین به یک معنا، نوعی تمدن‌سازی نیز محسوب می‌شود. به تمدن‌سازی، براساس همان معیار که در فرمول جمهوریت و اسلامیت متجلی شد، یعنی اینکه به کمک مردم و با بهره‌برداری از استعداد‌های همه ملت، با عوامل فرساینده تمدنی مقابله کنیم، تمدن‌سازی براساس روح جمهوریت و اسلامیت با محور قراردادن نسل‌های جدید با تنوع گرایشی آنها در حرکت مسیر اجتماعی ایران به سوی آینده شکل می‌گیرد. از منظری دیگر،



۱۲ فروردین، بی‌بدیل‌ترین روش ثبات و امنیت‌سازی همراه با رضایت‌مندی عامه مردم و متضمن توسعه و پیشرفت کشور بنا بر خواسته‌های نسلی می‌تواند تمهید کند. پدران قانون اساسی تمهیداتی اندیشیدند که تغییرات نگاه نسلی در صندوق‌های رأی متبلور شود و بر این اساس همگان باور کنند صندوق‌های رأی میراث گرانبهایی است که نباید مورد غفلت قرار بگیرد. و مسیر درست این است که چنان تدبیر شود که بر مبنای آن هر نسلی بتواند آرا و اندیشه خود را در صندوق رأی بیندازد. دو حرکت که عمدتاً علیه ۱۲ فروردین صورت گرفته، بی‌محتواکردن، بی‌شکل‌سازی و باریک‌کردن راه صندوق و از سوی دیگر جریان ناامیدساز مردم از صندوق‌های رأی است. رمز ثبات، نشاط و تحول جامعه ما، تکرار ۱۲ فروردین و نهادینه‌سازی اعتماد به صندوق‌های رأی در کشش و رفتار همیشگی ملت-دولت و نجات‌دادن آن از یک روز مناسکی است. صندوق سمبل دیده‌شدن نیازهای نوین و مقتضیات زمانه بوده و در معرض نوسازی قرارگرفتن ر جلوه‌گر می‌کند. ۱۲ فروردین معنای عالی سازگاری، تلفیق و ترکیب شیرین سه عنصر جمهوریت، اسلامیت و ایرانیت است. این روز، روز حضور «یک بار برای همیشه» نیست، بلکه در ذات خود، تکرار سلیاق و خواست‌های میان‌نسلی را به همراه دارد. جداشدن از صندوق، به معنای نادیده‌گرفتن تلاش‌های ۲۰۰ سال گذشته و خلق آینده بهتر برای نسل‌های پیش‌رو است. ناامیدکردن مردم از صندوق‌های رأی، یک حرکت غیرمردمی و بازگشت به عقب محسوب می‌شود. در این میان، به نظر می‌رسد نه‌تنها وظیفه جریان روشنفکری بلکه هر کشتگر فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی برای حرکت رو به جلو، برداختن به امر مهم و حیاتی پاسداشت صندوق هاست. حضور مردم در پای صندوق‌های رأی به مثابه جاری‌شدن خون تازه در پیکره ایران آینده است.

# پروژه ناتمام رضاقلی



• **احمد میدری**

ازدست‌دادن علی رضاقلی جبران‌ناپذیراست. به قول شریعتی از محصولات سری‌دوزی خدا نبود. از آنجا بود که خدا پس از خلقتش بر خودش بایلد. او در توضیح علت سرودن شاهنامه می‌گفت صد نفر از اندیشمندان از او خواستند تا راهی برای بازگشت عظمت ایران بیابد. شاهنامه یاسخ فردوسی برای یافتن مسیر اعتلای ایران بود. مسئله رضاقلی همان مسئله فردوسی بود و در شاهنامه به دنبال همین سؤال می‌گشت. نمی‌شناسم کسی را که دغدغه توسعه ایران را داشته باشد و مانند علی رضاقلی در شاهنامه غور کرده باشد. او با مطالعه تاریخ و ادبیات ادوار مختلف ایران علت عدم توسعه ایران را نامنی می‌دانست. نامنی تنها تجاوز بیگانه به یک کشور یا شورش و سرقت نیست؛ بلکه نامنی پیش‌بینی‌ناپذیری رفتار صاحبان قدرت است. او بر این باور بود که تداول نامنی، فرهنگی خاص در ایرانیان خلق کرده است که نسل اندر نسل باقی مانده و بر روح ایرانیان مسلط شده است. معرفی نامنی به‌عنوان مسئله اصلی توسعه ایران کشف مهمی است. نامنی در تاریخ ایران پدیده‌ای فراگیر و مستمر بوده است. تنها هجوم اقوام بیگانه مانند رومی‌ها، عرب‌ها و مغولان یکباره همه چیز را درگروگن و ویران نمی‌کرد؛ بلکه ایلات مدام به شهرها و روستاها هجوم آورده و آنها را غارت می‌کردند. به طور مثال همان‌طور که رضاقلی می‌گفت، در دوره ناصرالدین شاه که از بنیابت‌ترین پادشاهان ایران است، ۱۶۹ شورش صورت می‌گیرد؛ یعنی در هر سال چهار شورش رخ می‌داد. این شورش و غارت مدام بر رفتار مردم تأثیر عمیق بر جای گذاشته است که امروزه بر عالم ناخودآگاه حاکم است. از نظر رضاقلی این همه فساد اداری یکی از تجلیات سلطه فرهنگ غارتگری است که نامنی تاریخی آن را خلق کرده است. آدم‌هایی که اجداد آنها غارتگر بودند یا در معرض غارت بودند، به‌سادگی نمی‌توانند خود را از چنگال تاریخ نجات دهند. حتی اگر بداندند رفتار امروز آنها ریشه در تاریخ‌شان دارد. رضاقلی تلاش داشت تا تأثیر فرهنگ غارتگری تاریخی بر رفتار امروز مردم ایران را نشان دهد.

او رسالت خود را خودآگاهی بخشیدن تاریخی می‌دانست تا شاید از این طریق ایرانیان بتوانند از گذشته خود آزاد شوند. رضاقلی می‌گفت هر کسی که کار اقتصادی کرده باشد یا

مدیر اجرایی باشد، می‌داند ناامنی مسئله اصلی توسعه در ایران است. ازاین‌رو ناصرالدین شاه به‌خوبی مسئله اصلی توسعه ایران را یافته بود:

«... اطمینان عامه حاصل نمی‌شود مگر به امنیت. امنیت فرع قانون است و قانون لازمه‌اش اجرا... چون چنین شود قلوب عامه از هر جهت اطمینان حاصل خواهد کرد و در آن وقت طبیعت مخلوق و طبیعت آب و خاک، آنچه در خود مکنون و مخفی دارد روزه‌روز در معرض ظهور و بروز خواهند رسانید. آب‌ها جاری می‌شوند و زمین‌ها آباد. صناعات ترقی می‌کند و معادن استخراج می‌شود و پول‌های مردم از زیر خاک بیرون می‌آید».

شاید تصور شود کانونی‌بودن مسئله امنیت بدیهی است و او به کشف بزرگی نائل نشده بود. اهمیت این بحث زمانی روشن می‌شود که این نظریه را با نظریات دیگری که مسئله کانونی را امر دیگری می‌دانند، مقایسه کنیم. برای بسیاری از نظریه‌پردازان مسئله

اصلی انباشت سرمایه یا تجارت آزاد یا ویژگی‌های فرهنگی یا مداخله بیگانگان است. نظریه‌پردازانی که امنیت را مسئله اصلی می‌دانند، پیرو سنت آدام اسمیت تأمین حقوق مالکیت را اصل و سایر امور را نتیجه وجود یا فقدان حقوق مالکیت معرفی می‌کنند. علی رضاقلی اهمیت، علل و پیامدهای نامنی و تخریب نهاد حقوق مالکیت را در تاریخ و امروز اقتصاد ایران نشان داد؛ اما برای حل آن راهکاری به جز خودآگاهی و درک درست مسئله ارائه نداد. او بر پایه سنت اقتصاددانان نهادگرا مخاطبان خود را از سادس‌انگاری نجات می‌دهد و تأکید می‌کند نمی‌توان با سیاست‌های مرسوم اقتصادی به توسعه پایدار دست یافت. توسعه پایدار نیازمند اصلاح نظام قضائی و اداری است و این دو باتزاب بازار سیاسی هستند. شایسته‌سالاری، حاکمیت قانون، نظام قضائی عادلانه، فسادزدایی و سایر ویژگی‌های حکمرانی خوب زمانی محقق می‌شود که بازار سیاست اصلاح شود.

اما چگونه می‌توان بازار سیاست را اصلاح کرد؟ اگر علت ناامنی و عدم تأمین حقوق مالکیت بازار سیاست است، چگونه می‌توان این بازار را به گونه‌ای تغییر داد که نتیجه آن

### خبرخوانه

#### از غیرت تا قدرت

## ۸ سیلی که فراموش نشد

پس از سیلی‌ای که ویل آسمیت در میانه اسکار بر صورت کریس راک (مجری) نواخت، واکنش‌های متناقضی رخ داد. عده‌ای از غیرتمندی او در دفاع از همسرش به وجد آمدند و عده‌ای از این رفتار شگفت‌زده شدند. در این بین، بحث غیرت و مالکیت زن از سوی مرد، سؤال‌های زیادی را به وجود آورد و نشان داد که این مسائل هنوز در جامعه ایران حل‌نشده باقی مانده است. هنگامی که ما از این سیلی حمایت می‌کنیم و آن را نشانه غیرت و عشق می‌دانیم، برای سربریدن و کشتن زنان نیز توجیه می‌تراشیم. در یکی، دو سال گذشته بارها شاهد زدن سیلی در اماکن عمومی در مراسم‌ها و محافل بودیم که به برخی از آنها می‌پردازیم.

مشهورترین سیلی این‌سال‌ها که فراموش نمی‌شود و بسیاری آن را دلیل تصویب‌شدن طرح صیانت از شبکه‌های اجتماعی و تصویب‌نشدن عدم لزوم شفافیت رأی نمایندگان می‌دانند، سیلی نماینده سبزواری مجلس بر صورت سرباز راهنمایی و رانندگی است. هرچند به گزارش روز شنبه ۲۰ شهریور ۱۴۰۰ خبرگزاری تسنیم، عنایتانی که به مجازات «حبس» محکوم شده بود، با حضور در محل کار سربازاری که مورد «تعدی» قرار گرفته بود، رسماً از نیروی انتظامی و این سرباز راهور عذرخواهی کرده است.

• در بهمن ۱۳۹۹ نیز خیر سیلی یکی از بازریس‌های دادگستری بابل هنگام مراجعه به محل کارش از در ورودی ارباب‌رجوع، بازتاب گسترده‌ای یافت. این بازریس با درخواست سرباز برای بازرسی بدنی مواجه می‌شود و اجازه این کار را به سرباز نمی‌دهد و در برابر اصرار سرباز، سیلی‌ای به صورت او می‌زند.

• شهریور ۱۴۰۰ در جریان سفر رئیس‌جمهور و برخی وزرای جدید دولت به استان خوزستان به منظور بررسی مشکلات اخیر این استان، در یکی از بازدیدهای وزیر بهداشت فردی با رساندن خود به وزیر و پس از اعتراض‌هایی، اقدام به سیلی‌زدن به صورت رئیس دانشگاه علوم پزشکی اوزار کرد. او بلافاصله دستگیر شد.

• آبان ۱۴۰۰ و هنگام معارفه استاندار جدید آذربایجان در شهر تبریز، یک سرهنگ پاسدار در جلوی وزیر کشور و دیگر مدعوین



روز طبیعت اسمال با کم‌شدن شدت همگیری کرونا، حال و هوای سال‌های قبل از این بیماری را داشت. / عکس: موسی تقوی‌نمین، باشگاه خبرنگاران جوان



حاکمیت قانون باشد؟ «اگر نورث ایرانی بود» عیون یکی از مقالات رضاقلی است. نورث ۹۵ سال عمر کرد و در ۱۰ سال پایانی عمرش چندین مقاله و دو کتاب برای پاسخ به این سؤال تألیف کرد: کتاب خشونت ونظام‌های اجتماعی و کتاب در سایه خشونت که هر دو به فارسی ترجمه شده‌اند، پاسخی هستند به مسئله اصلاح بازار سیاست. رضاقلی راه‌حلی برای اصلاح بازار سیاست نداد. او ۷۵ سال عمر کرد و اگر بخت همراه ما بود و او نیز ۹۵ سال عمر می‌کرد، احتمالاً رضاقلی «پژوهشگر وطن‌پرستِ خستگی‌ناپذیر جامعه‌شناس نهادگرای مسلط بر شاهنامه و متون ادبی و تاریخ ایران» پاسخ به این سؤال را برای جامعه ایران می‌داد.

دو هفته قبل از فوتش به دیدارش در جاجرود رفتم. به او پیشنهاد دادم که برای پاسخ به این سؤال کار مشترکی را شروع کنیم. حالش خوب نبود و خیلی درد داشت؛ اما استقبال کرد. روز جمعه پنجم فروردین سه روز قبل از فوت با من تماس گرفت گفت که من آماده‌ام بیا هرچه زودتر شروع کنیم؛ اما بخت یار من نبود.

روحش شاد و راهش پررهرو.

### خاطره‌خوانه

## یک قرن با زولبیا و بامیه

امروز اولین روز از اولین ماه رمضان قرن نو است. ماه رمضان در زندگی ایرانیان همواره خاطره‌انگیز بوده و حال‌وهوایی خاص بر شهرها و روستاها حاکم می‌شده است. در قرن قبل، اذان مؤذن‌زاده، ربنای شجریان و زولبیا و بامیه از عناصر خاطره‌انگیز افطار بوده است. عمر اذان مؤذن‌زاده و ربنای استاد شجریان به یک قرن نمی‌رسد، اما بر اساس گزارش‌های تاریخی، عمر زولبیا و بامیه در ایران به اندازه عمر مدرنیته و اصلاحات است و دست‌کم از دوره ناصری یکی از اجزای افطارهای ماه رمضان بوده و تمام قرن گذشته در ماه رمضان کام ایرانیان را شیرین کرده است؛ چه روزه‌داران و چه روزه‌خوران را.

برخی منابع معتقدند زولبیا یکی از شیرینی‌های وارداتی است و در دوره ناصرالدین‌شاه به ایران رسیده و جای شیرینی‌های دیگر را گرفته و دست‌کم از زمان قاجار شکل آیینی داشته و در ماه رمضان پخته و خورده می‌شده است.

مرحوم جعفر شهری در تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم، معتقد است زولبیا و بامیه، گوش‌قیل و پشتمک از تحولات ماه رمضان بود و اینها فقط در همین ماه به بازار می‌آیند. او همچنین نقل‌قولی از مظفرالدین‌شاه آورده است که می‌گوید: «ماه رمضان هم نمی‌آید بامیه سبزی نوش‌جان کنیم».

اما جلال‌الدین کزازی نظر دیگری دارد و زولبیا و بامیه را از شیرینی‌های اصیل ایرانی و تاریخ آن را باستانی می‌داند و معتقد است این دو شیرینی کهن آیینی، در تاریخ ایران با خورشید و روشنائی نسبت دارند و حضورشان در سفره افطار نیز با روشنائی و راهشدن از تیرگی‌ها نسبتی دارد و از گذشته‌های دور وجهی آیینی داشته است.

زولبیا و بامیه هر گذشته و هر معنایی داشته باشند، دست‌کم در سال‌های اخیر در بسیاری از شهرها در ماه رمضان بازار پررونقی پیدا می‌کنند و شیرینی‌پزی‌ها از امروز برای پختن زولبیا و بامیه به سر کار می‌آیند.